



DOR: 20.1001.1.22285318.1399.11.2.2.8

## بررسی تأثیر فن آوره‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه‌ها بر فرهنگ عمومی

سعید زاهد پاشا\*

کیومرث نیازآذری\*\*

مریم تقوایی یزدی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فن آوره‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی بر مبنای رویکرد کمی با هدف کاربردی و با راهبرد پیمایش انجام شد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۷۶۰ نفر از اعضای هیأت علمی استادیار به بالای دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران بودند که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبقه‌بندی متناسب نسبی ۲۵۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه به تأیید متخصصان و صاحب نظران رسید و برای بررسی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی استفاده شد که مقدار آنها برای همه سؤالات سازنده مفاهیم تحقیق، مقادیر بالای ۰/۷۰ را نشان داد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL استفاده شد. نتایج نشان داد که فن آوری‌های نوین با ضریب تأثیر  $(\beta = ۰/۵۲)$  و چندزبانه بودن دانشگاه با ضریب تأثیر  $(\beta = ۰/۵۶)$  بر فرهنگ عمومی تأثیر مستقیم و نسبتاً قوی دارد. به عبارت دیگر با افزایش استفاده از فن آوری‌های نوین و تقویت چندزبانه شدن دانشگاه‌ها، مطلوبیت فرهنگ عمومی با شدتی نسبتاً قوی افزایش می‌یابد.

### واژگان کلیدی

فن آوره‌های نوین، چندزبانه بودن، دانشگاه، فرهنگ عمومی، استان مازندران

### مقدمه

\* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، saeedzaahed@gmail.com

\*\* استاد، گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، zohrehk.niaazari@gmail.com

\*\*\* دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، m\_taghvaeeyazdi@yahoo.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: کیومرث نیازآذری

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارهای یادگرفتنی، اعتقادات، عادات‌ها و سنت‌هایی دانست که میان جمعی از افراد مشترک است و به طور متوالی توسط دیگران که وارد آن جامعه می‌شوند آموخته و به کار گرفته می‌شود (Sedwick & Sedwick, 2002). فرهنگ عمومی نیز به عنوان بخش مهمی از فرهنگ به مثابه سطحی از انباشت فرهنگی و ساختارهایی از عادت‌واره‌های اجتماعی که بیش‌ترین گسترش را در یک جامعه مفروض در زمانی مشخص داشته، قابل تعریف است (Fakuhi, 2011). بر اساس نظر گیدنز، فرهنگ عمومی عبارت است از: مجموعه منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ (قوم یا ملت) می‌باشد (Giddens, 2018). فرهنگ عمومی عرصه‌ای از فرهنگ است که تولیدکننده و مصرف‌کننده آن، آحاد جامعه هستند. در واقع به نوعی همان رفتارهای فرهنگی متعارف جامعه و یا رفتار متعارف عموم مردم جامعه می‌باشد لذا پشتوانه اجرایی و قانونی رسمی ندارد و عدم پایبندی به آن مجازاتی را به معنای حقوقی کلمه در پی ندارد (Latifi & Abdolhoseinzade, 2016). در سالیان اخیر توجه زیادی به مقوله فرهنگ و بخصوص فرهنگ عمومی شده است و دیدگاه‌های متنوعی در باب فرهنگ عمومی وجود دارد؛ از دیدگاهی که فرهنگ عمومی را به دلیل ماهیت و ساختار وابسته به سازوکارهای درونی و تاریخی آن، برنامه‌پذیر می‌داند تا دیدگاهی که می‌خواهد تمام ارکان فرهنگ را تحت برنامه، مدیریت کند (Esfahani, 2007). مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «در قبال فرهنگ، دو تفکر افراطی وجود دارد؛ عده‌ای فرهنگ را مقوله‌ای رها و غیرقابل مدیریت می‌دانند و معتقدند که باید فرهنگ عمومی را به حال خود رها کرد و در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که باید با سخت‌گیری شدید و کنترل همه مسائل، قالب‌های خاصی را در فرهنگ عمومی و حتی مسائل و اخلاق شخصی، به جامعه تحمیل کرد». در نظام آموزشی به طور عام و نظام آموزش عالی به طور خاص نیز بررسی مقوله فرهنگ عمومی همواره یکی از دغدغه‌های مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی بوده است. اگر آموزش عالی را بخشی از فرهنگ عمومی بدانیم از آنجا که تولید و توزیع دانش به عنوان رسالت اصلی مؤسسات آموزش عالی یک فعالیت جهانی است لذا آموزش عالی حتی می‌تواند بستر مناسبی برای جهانی‌شدن فرهنگ باشد (Latifi & Zohorian, 2015). از این‌رو هر نظام آموزشی از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه پیرامونی تأثیر می‌پذیرد و رسالت مهمی در

قبال انتقال ارزش‌های فرهنگی و بازسازی فرهنگی جامعه خویش دارد. از این رو تمامی نظام‌های آموزشی دارای بار فرهنگی خاص خود هستند. امروزه با رواج اندیشه‌های جدید در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هر نوع تغییر و تحول توسعه‌گرا از جمله پرورش نیروی انسانی از طریق نظام آموزش عالی می‌باید با لحاظ داشتن ابعاد فرهنگ سامان یابد.

شایان ذکر است فرهنگ پرورده نمی‌شود و باقی نمی‌ماند مگر در پرتو تحرک. فرهنگ عمومی امری زنده است بنابراین باید متحرک و روینده باشد. توقف فرهنگ، مرگ اوست چرا که اگر فرهنگ عمومی طبع منعطف و سیال نداشته باشد تا بتواند خود را پیوسته بر نیازها و آرمان‌های دارنده خود منطبق سازد از پای در خواهد آمد. همین خاصیت زنده بودن به فرهنگ عمومی، جنبه پذیرندگی داده است. فرهنگ عمومی از هر جا، هر چه را که مایه تقویت و بالندگی خود می‌یابد می‌گیرد بدین ترتیب با دادوستد خود را زنده و شاداب نگاه می‌دارد (Asiaei, 2010). پس با توجه به این که فرهنگ ماهیتی سیال و پویا دارد و دائماً در جریان است اگر بخواهد حیات بامعنایی داشته باشد باید خود را با تغییرات ایجاد شده در جامعه هماهنگ کند و به بیانی دیگر باید متناسب با شرایط جامعه خود را نشان دهد و عرضه دارد و از این طریق به بازتولید خود پردازد. یکی از تغییرات مهمی که به طور مداوم در حال نو به نو شدن می‌باشد؛ فن‌آوری‌های نوین هستند که می‌توانند تأثیر زیادی را بر فرهنگ عمومی بگذارند لذا در برخی از پژوهش‌ها از تعامل فرهنگ و استفاده از فن‌آوره‌های نوین صحبت شده است. به بیانی دیگر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی نمی‌توانند با اکتفا به وسایل و سازوکارهای دیروز، به نیازهای امروز پاسخ گویند لذا لازم است که به ابزارهای بروز مجهز باشند. بنابراین برای ادامه حیات در دنیای پیچیده امروز نیاز به تغییرات اساسی است که استفاده از فن‌آوری‌های نوین می‌تواند از طریق ایجاد ساختارهای نوین به تحقق این هدف کمک کند (Niazazari et al., 2015).

شکی نیست که فن‌آوری‌های نوین، عامل مهم تغییر هستند و این پدیده روند توسعه را تندتر کرده است. در صورت پذیرش فن‌آوری نوین، باید دگرگونی در ابعاد مختلف جامعه، شامل دگرگونی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را پذیرفت. البته باید خاطر نشان کرد که این دگرگونی‌ها نیاز به مدیریت دارد؛ یعنی فن‌آوری‌های نوین عامل اصلی در تولید و توسعه اقتصادی و فرهنگی بوده و یک هدف استراتژیک به شمار می‌آید و در نهایت این توسعه بر ابعاد مختلف

جامعه تأثیرگذار است. تلاش برای ایجاد تناسب میان ابعاد مختلف توسعه از وظایف خطیر حکومت‌ها می‌باشد. از این‌رو، تحول باورهای فرهنگی و اجتماعی در راستای تلاش برای توسعه فن آوری نوین، می‌تواند تناقضی را در ارتباط با حفظ شئون علمی و فرهنگی یک جامعه به وجود آورد. راه‌حلی که در استراتژی توسعه فن آوری‌های نوین می‌توان ارائه نمود ترکیب فن آوری وارداتی و سنتی است؛ یعنی فن آوری وارداتی جذب و با شرایط فن آوری ملی تلفیق شوند (Matthew & Gillis, 2003). همان‌طور که می‌دانیم امروزه در هر سازمانی، بحث به کارگیری فن آوری‌های نوین مطرح و همه جا صحبت از سودمندی یا ضرورت استفاده از آنها در میان است. استفاده از فن آوری‌های نوین در کنار سیستم‌های اطلاعاتی متنوعی که برای نیازهای مختلف طراحی می‌گردد گسترش یافته است. این فن آوری‌های نوین، سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا با دیگر سازمان‌ها و محیط، ارتباط بیش‌تر و بهتری برقرار کنند. به علت افزایش روزافزون پیچیدگی در کارها و فعالیت‌ها، گردانندگان این سازمانها در سال‌های اخیر به سرمایه‌گذاری در فن آوری‌های نوین، توجه زیادی کرده‌اند. این سازمان‌ها اعلام کرده‌اند که دلایل سرمایه‌گذاری در بخش فن آوری‌های نوین در سازمان‌ها: شامل پاسخگویی تمام وقت به مشتری، ایجاد مزیت رقابتی نسبت به سایر سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های سربار، انجام فعالیت‌های آموزشی و تجاری بدون محدودیت بوده است. سیستم‌های اطلاعاتی امروزی که مبتنی بر فن آوری پیشرفته و نوین می‌باشند این امکان را برای مدیران فراهم می‌کند تا بتوانند از پیچیدگی‌های سازمانی بکاهند و تمرکز زدایی نمایند. در نتیجه، ساختار بروکراتیک بزرگ، با ساختار منعطف و ساده تر تبدیل می‌شود (Jafarizadeh, 2006). دانشگاه‌ها، از جمله مراکز مهم جهت تبادل نظر و گفتگو به منظور رشد و توسعه مسائل فرهنگی بوده و می‌تواند با مطرح نمودن مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، علاوه بر بالا بردن سطح ادراک و آگاهی دانشجویان، راهکارهای لازم جهت ترویج آن‌را با تبادل نظر معرفی نماید. بنابراین دانشگاه و دانشجویان می‌توانند در فراهم نمودن بخش سخت افزاری و نرم افزاری فرهنگ، نقش مهمی را ایفا نمایند (Ebrahimian, 2013). روند تحولات آموزش عالی در دو دهه اخیر، وابسته به افزایش تقاضای ورود به آموزش عالی، توسعه فن آوری‌های نوین، ضرورت توسعه منابع انسانی، تغییرات سریع فن آوری و دگرگونی‌های اجتماعی بوده و منجر به بروز چالش‌های جدی و تغییر در نقش دانشگاه‌ها و آموزش عالی در هزاره جدید شده است.

دگرگونی‌های شگرف آموزش عالی و حرکت آن به سوی همگانی شدن و تأویل‌های ناشی از نیاز عمومی به آموزش عالی، دیدگاه جدیدی در توسعه آموزش عالی پدید آورده است که تحت تأثیر پارادایم فن‌آوری‌های نوین، منجر به افزوده شدن وجهی جدید به منشور آموزش عالی شده است که توسعه فرهنگی از ضروریات آن است (Schulte, 2004). فرهنگ عمومی و تغییرات آن، جریان مداومی است که چه برای آن برنامه ریزی شود و چه نشود با توجه به سرعت تحولات و کاربرد فن‌آوری‌های نوین طی مسیر می‌کند. بنابراین در یک نظام عقیدتی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نمی‌توانند در جهت دهی به این روند تکنولوژی و تأثیر آن در فرهنگ عمومی بی‌توجه باشند.

از سوی دیگر باید گفت جهانی‌شدن، بارزترین وجه تمایز جهان دیروز و امروز است و شاید هیچ پدیده‌ای به اندازه جهانی شدن در ابتدای هزاره سوم، توجه اندیشمندان، سیاست‌مداران، اقتصاددانان و متولیان فرهنگی را به خود جلب ننموده است (Teymori, 2013). جهانی شدن در عرصه‌های علمی و فرهنگی و به ویژه در آموزش عالی، منبع تعاملات گسترده‌ای است که لزوم بررسی اثرات در این بسترها و به خصوص در آموزش عالی کشور ایران و متعاقب آن تغییرات اجتناب‌ناپذیر در اهداف آموزش عالی کشور از زمینه‌های مهم و شایسته توجه می‌باشد. آموزش عالی نمادی از رشد یا افول یک جامعه می‌باشد. نیروی متخصص تربیت‌یافته یک جامعه و افکار و اعمال اجرایی آن‌ها همگی محصول آموزش عالی می‌باشند. در صورتی که این نیروهای متخصص متناسب با نیازهای جامعه و دنیا تربیت نیافته باشند موجب اتلاف منابع مالی و منابع انسانی خواهد شد. کشورها برای گسترش و نهادینه کردن مفهوم جهانی شدن در جوامع بومی، نیازمند شهروندان تحصیل کرده با دانش‌های چند فرهنگی و نیروی کار آموزش دیده و متخصص هستند که از طریق برنامه‌های آموزشی بین‌المللی و چند فرهنگی امکان‌پذیر می‌باشد. برخورداری از یک جامعه آموزش دیده با شهروندانی باسواد و با مهارت‌های بالای اجتماعی و نیروی کار ماهر و رقابت‌پذیر در عرصه جهانی از ضروریات توسعه مفهوم جهانی شدن است که این امر مستلزم چند زبانه بودن دانشگاه‌ها می‌باشد تا از این طریق دانشگاه‌ها بتوانند به افزایش توانمندی فارغ‌التحصیلان آموزشی و متبحر بپردازند تا در کنار رشد اقتصادی تولید محور به معرفی و شناساندن فرهنگ عمومی کشور به جهانیان و نیز ارتقاء آن به واسطه تعاملات فرهنگی با سایر دانشگاه‌های

جهانی که منجر به رشد فرهنگی در جامعه نیز می‌باشد پردازد. کاظم زاده و کوهی (Kazemzadeh & Kohi, 2010) در پژوهشی تحت عنوان «نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه فرهنگی، موانع و راهکارها» به این نتیجه رسیدند که وسایل نوین ارتباط جمعی با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالا بردن آگاهی‌های گوناگون به عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می‌کنند. این رسانه‌ها و فن‌آوری‌های نوین هستند که با اتخاذ سیاست‌های پویای اجتماعی و ترکیب آن با سیاست‌های فرهنگ‌گرا می‌تواند عامل آمیختگی، توازن و پیوند دادن باورهای اصیل اعتقادی و سنت‌های بارور جامعه باشند و با گسترش آفرینندگی و افزایش رشد فرهنگی، به توسعه همه جانبه کشورمان کمک کرده و باعث پویایی فرهنگ عمومی شوند.

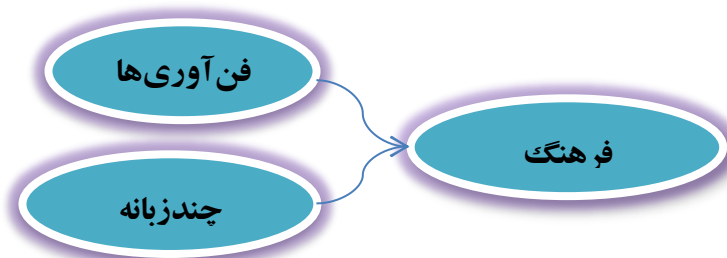
نیاز آذری و همکاران (Niazazari et al., 2015) در پژوهشی به بررسی «رابطه بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و مؤلفه‌های مهندسی فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی» پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، مدیران و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری بود که روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی ۲۲ مدیر و ۱۲۰ کارمند نمونه این تحقیق را تشکیل دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات با مؤلفه‌های «ارزش‌های محوری مهندسی فرهنگی، استراتژی مهندسی فرهنگی و رهبری مهندسی فرهنگی» بیش‌ترین همبستگی و در مقابل با مؤلفه‌های «موفقیت در مهندسی فرهنگی» کم‌ترین همبستگی در دانشگاه وجود دارد. به بیانی دیگر، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در اجرای هر یکی از مؤلفه‌های مهندسی - فرهنگی می‌تواند نقش مهم و بسزایی داشته باشد. اصغرزاده و خراسانی (Asgharzadeh & Khorasani, 2016) در پژوهشی با هدف بررسی «تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: مطالعه تطبیقی در اروپا» به این نتیجه رسیدند که کشورهای اروپای شمالی و غربی در بین‌المللی شدن آموزش عالی موفق‌تر عمل کرده‌اند. این موفقیت در جذب دانشجوی بین‌المللی، رتبه دانشگاه‌های آنها، میزان تولیدات علمی و استنادات به وضوح دیده می‌شود. هم‌چنین نتایج نشان داد که میان مؤلفه‌های استفاده از زبان واسط انگلیسی در آموزش عالی هر کشور و تسلط شهروندان آن به زبان انگلیسی و رتبه استناددهی به مقالات آن کشور ارتباط وجود دارد چرا که استفاده از زبان واسط در آموزش دانشگاهی، موجب توانمندسازی

دانشجویان بومی به زبان بین‌المللی می‌شود و در نتیجه آنها می‌توانند یافته‌ها و تولیدات علمی خود را به زبان بین‌المللی با دنیا به اشتراک بگذارند. بنابراین استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان آموزش، کمک شایانی به بین‌المللی شدن آموزش عالی و تسریع این روند می‌کند.

چاوش‌باشی (Chavoshbashi, 2012) در پژوهشی به بررسی «طراحی مدل جهت سنجش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اقتصادی فرهنگی ایران» پرداخت که نتایج این مطالعه نشان داد که نقش کلیدی فرهنگ در حوزه اقتصاد فرهنگی، مستلزم داشتن چشم‌انداز، طرح‌ریزی و یکپارچه‌سازی، کار و تشریک مساعی همه‌جانبه، پرشور و پایدار با محوریت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. میرشمشیری (Mirshamshiri, 2006) در تحقیقی با هدف بررسی «نقش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در بهبود مدیریت فرهنگی» به این نتیجه رسید که استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، موجب بهبود مدیریت فرهنگی سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران می‌شود. ال-تواد (Al-Thawwad, 2008) با بررسی کشور عربستان و اقدامات صورت گرفته در زمینه واردات فن‌آوری بالقوه، به این نتیجه رسید که ناسازگاری بین فرهنگ کشورها در فرآیند انتقال فن‌آوری بالقوه آثار جبران‌ناپذیری در فرهنگ کشور میزبان خواهد داشت و لازم است که میزان زیادی از بودجه واردات فن‌آوری برای حفظ و حتی ترمیم فرهنگی کشور صرف شود.

لذا با عنایت به توضیحات مذکور مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر فن‌آوری‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه‌ها بر فرهنگ عمومی می‌باشد و به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهد؛

۱. آیا فن‌آوری‌های نوین بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار هستند؟
۲. آیا چندزبانه بودن دانشگاه‌ها بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار هستند؟
۳. فن‌آوری‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه‌ها چند درصد از تغییرات مربوط به فرهنگ عمومی را تبیین می‌کنند؟



مدل مفهومی عوامل مؤثر بر فرهنگ عمومی چندزبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی بر مبنای رویکرد کمی با هدف کاربردی و با راهبرد پیمایش انجام شد.

## روش

تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کمی است که از حیث هدف، کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و با توجه به معیار زمان به صورت مقطعی انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر نوع، یک پژوهش توصیفی همبستگی محسوب می شود که به بررسی تأثیر فن آوره‌ای نوین و چند زبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی پرداخته است. در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای مطالعه نظریه‌ها و کسب اطلاعات به منابع و اسناد رجوع شده است و روش استفاده شده در بخش میدانی، پرسش‌نامه محقق ساخته است. لازم به ذکر است به منظور عملیاتی کردن مفاهیم تحقیق از مبانی نظری و پیشینه تحقیق استفاده شد و از این طریق ابزار اندازه‌گیری تدوین شد. پرسش‌نامه‌ی فرهنگ عمومی با ۳۸ سؤال در هفت بعد (مرد سالاری در مقابل زن سالاری، فرد گرایی در مقابل جمع گرایی، اجتناب از عدم اطمینان، فاصله قدرت، چشم انداز بلند مدت/کوتاه مدت، دست آوردها و امتیازات موروثی و محیطی و ارتباط با محیط زیست) سنجیده شده است که نحوه نمره گذاری از سطح کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم از ۱ تا ۵ بوده است. برای سنجش چندزبانه بودن دانشگاه‌ها (از جمله؛ برگزاری دوره های رایگان زبان آموزی و ارائه مشوق های مادی و معنوی در ازای یادگیری دیگر زبان‌ها) ۵ سؤال و برای سنجش استفاده دانشگاه از فن آوری‌های نوین ۶ سؤال (از جمله؛ تهیه و تولید محتوای مجازی، گسترش سیستم های مدیریت پایگاه داده‌ها، ایجاد مکانیزم های نوین برای جمع آوری، ذخیره و یادگیری، گسترش سیستم های زیربنایی مخابرات و ارتباط از راه دور در دانشگاه) استفاده شده است که نحوه نمره گذاری از سطح خیلی کم تا خیلی زیاد از ۱ تا ۵ بوده است.



جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه اعضای هیأت علمی استادیار به بالای دانشگاه‌های آزاد استان مازندران که براساس آمارهای موجود تعداد آنها ۷۶۰ نفر بوده است. برای انتخاب حجم نمونه نیز در بین افراد جامعه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به صورت زیر محاسبه شد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

در رابطه بالا  $n$  حجم نمونه آماری،  $N$  تعداد جامعه آماری با توجه به این که شناخت دقیقی که از توزیع صفت مورد مطالعه در جامعه اصلی نداریم در این فرمول  $p=q=0.5$  در نظر می‌گیریم که در آن  $P$  احتمال داشتن صفت مورد نظر و نماد  $q$  احتمال نداشتن صفت مورد نظر در جامعه است که بالاترین حجم نمونه را به ما می‌دهد. میزان آماره  $t$  برابر  $1/96$  است و دقت احتمالی را نیز معادل  $d=0.05$  گرفته شده است لذا حجم نمونه آماری مورد مطالعه در جامعه، طبق فرمول مذکور برابر خواهد شد با؛

$$n = \frac{760 \times 1.96^2 \times .50 \times .50}{760 \times .05^2 + 1.96^2 \times .50 \times .50} \cong 255$$

بدین ترتیب برطبق محاسبه فرمول کوکران ۲۵۵ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمد. لازم به ذکر است روش نمونه‌گیری پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است به طوری که به منظور جمع‌آوری داده‌ها، در ابتدا از میان دانشگاه‌های آزاد استان مازندران، به صورت تصادفی از مرکز استان، دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای «بابل و قائمشهر» و از شرق به صورت تصادفی دانشگاه آزاد اسلامی واحد «ساری» و از غرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد «چالوس» انتخاب شده است. سپس در هر دانشگاه به تناسب تعداد اعضای هیأت علمی به صورت تصادفی نمونه‌گیری به عمل آمده است. به بیانی دیگر ابتدا از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است و در گام دوم از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب استفاده شده است. بدین منظور به شرح جدول شماره

(۱) عمل شده است.

جدول شماره (۱): نحوه نمونه گیری به روش طبقه بندی متناسب

تعداد اعضای هیأت علمی در نمونه تحقیق	تعداد اعضای هیأت علمی در جامعه آماری	دانشگاه آزاد اسلامی	محدوده
۵۶	۱۰۱	ساری	شرق
۴۶	۸۳	بابل	مرکز
۸۶	۱۵۷	قائم شهر	غرب
۶۷	۱۲۱	چالوس	
۲۵۵	۴۶۲	جمع	

روایی صوری و محتوایی ابزار اندازه گیری توسط متخصصان موضوعی تأیید شد و به منظور سنجش پایایی ابزار سنجش از آزمون آلفای کرونباخ و ضریب قابلیت اعتماد ترکیبی استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول شماره (۲) می باشد.

جدول شماره (۲): بررسی پایایی ابزار سنجش

ضریب پایایی ترکیبی	ضریب آلفای کرونباخ	ابعاد	ضریب پایایی ترکیبی	ضریب آلفای کرونباخ	مفهوم
۰/۷۹۰	۰/۷۴۳	جنسیت			
۰/۷۸۰	۰/۷۶۲	هویت			
۰/۷۶۹	۰/۷۳۲	حقیقت			
۰/۸۴۰	۰/۸۲۹	سلسله مراتبی	۰/۷۸۴	۰/۷۴۶	فرهنگ عمومی
۰/۷۹۰	۰/۷۷۷	تقوا			
۰/۸۲۸	۰/۸۰۰	امتیازات			
۰/۸۰۰	۰/۷۶۵	محیط زیست			
۰/۷۶۷	۰/۷۳۳		چند زبانه بودن دانشگاه		
۰/۸۱۰	۰/۷۸۰		فن آوری های نوین		

همان طور که در جدول فوق مشخص است میزان ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی به دست آمده برای همه مفاهیم تحقیق بزرگ تر از ۰/۷۰ می باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مناسب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و بدین ترتیب می توان

گفت که ابزار سنجش پژوهش حاضر از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

### یافته‌ها

#### الف) یافته‌های توصیفی

بر مبنای اطلاعات جدول شماره (۳) از نظر ترکیب جنسی، ۲۵٪ از اساتید زن و ۷۵٪ مرد بوده‌اند، از نظر رتبه علمی بیش‌تر اساتید (۸۶٪) استادیار بوده‌اند. نتایج حاصل از سنجش سن نیز نشان داد که افرادی که در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال هستند بیش‌ترین فراوانی (۴۵٪) و افرادی که در گروه سنی بالای ۵۰ سال هستند کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (۱۴٪).

جدول شماره (۳) توزیع نسبی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	فراوانی	درصد
زن	۶۴	۲۵/۱
مرد	۱۹۱	۷۴/۹
<b>کل</b>	<b>۲۵۵</b>	<b>۱۰۰</b>

متغیر	فراوانی	درصد	متغیر	فراوانی	درصد
۳۱-۴۰ سال	۱۰۵	۴۱/۲	استادیار	۲۲۰	۸۶/۳
۴۱-۵۰ سال	۱۱۵	۴۵/۱	دانشیار	۳۲	۱۲/۹
بالای ۵۰ سال	۳۵	۱۳/۷	استاد	۲	۰/۸
<b>کل</b>	<b>۲۵۵</b>	<b>۱۰۰</b>	<b>کل</b>	<b>۲۵۵</b>	<b>۱۰۰</b>

نتایج حاصل از جدول شماره (۴) در خصوص توصیف متغیرهای مستقل و وابسته، حاکی از این است که استادان مورد مطالعه، ارزیابی نسبتاً مناسبی از وضعیت استفاده از فن‌آوری‌های نوین (با میانگین ۳/۲۰) و فرهنگ عمومی (با میانگین ۳/۲۳) در دانشگاه‌های آزاد اسلامی داشته‌اند و در مقابل از وضعیت چندزبانه بودن دانشگاه‌ها (با میانگین ۲/۹۶) ارزیابی متوسط رو به پائینی داشته‌اند به بیانی دیگر توفیق دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان مازندران را در چندزبانه کردن دانشگاه پائین‌تر از متوسط ارزیابی کرده‌اند.

جدول شماره (۴): آماره‌های توصیفی مفاهیم اصلی تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کم‌ترین	بیش‌ترین
استفاده از فن آوری‌های نوین	۳/۲۰	۰/۸۶	۱	۵
چندزبانه بودن دانشگاه	۲/۹۶	۱/۲۸	۱	۵
فرهنگ عمومی	۳/۲۳	۰/۳۸	۱	۵

**(ب) یافته‌های استنباطی:****بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و فرهنگ عمومی**

جدول شماره (۵) نتایج رابطه بین متغیرهای مستقل (چندزبانه بودن دانشگاه و استفاده از فن آوری‌های نوین) را با متغیر وابسته (فرهنگ عمومی) به کمک ضریب همبستگی پیرسون با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه بین متغیرها) نشان می‌دهد. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول، حاکی است که بین استفاده دانشگاه‌ها از فن آوری‌های نوین و چندزبانه بودن دانشگاه‌ها و فرهنگ عمومی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد به نحوی که با افزایش استفاده از فن آوری‌های نوین (۰/۵۰۷) و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها (۰/۴۹۶)، فرهنگ عمومی نیز توسعه پیدا می‌کند. شایان ذکر است بر حسب نتایج حاصل از جدول ذیل، روابط مذکور در سطح خطای کم‌تر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشند.

جدول شماره (۵): آزمون فرضیات تحقیق و میزان ضریب همبستگی پیرسون

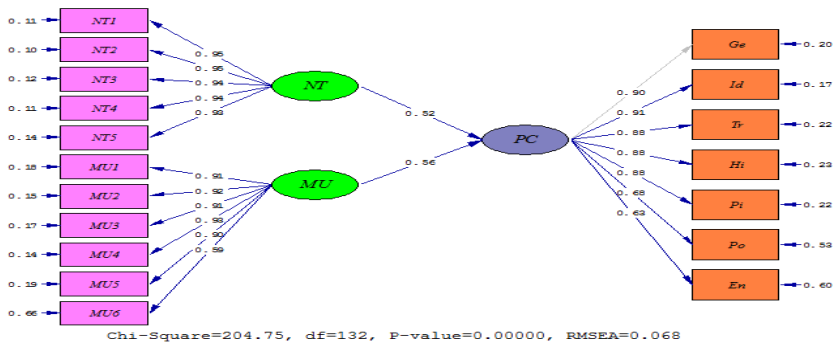
متغیر	فن آوری‌های نوین	چندزبانه بودن دانشگاه‌ها	فرهنگ عمومی
فن آوری‌های نوین	۱		
چندزبانه بودن دانشگاه‌ها	۰/۴۳۲**	۱	
فرهنگ عمومی	۰/۵۰۷**	۰/۴۹۶**	۱

### مدلسازی معادلات ساختاری

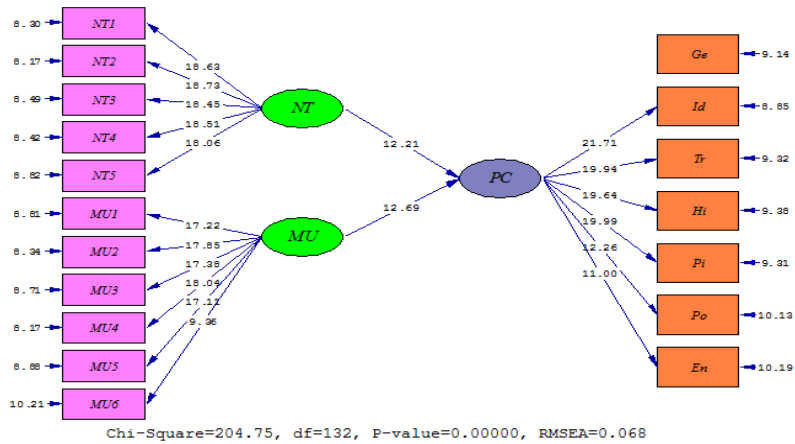
به منظور بررسی تأثیر فن‌آورهای نوین و چندزبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی از مدل‌سازی معادلات ساختاری کوواریانس محور لیزرل استفاده شده که ابتدا به معرفی متغیرها پرداخته شده است و در ادامه نتایج حاصل از تأثیر فن‌آورهای نوین و چندزبانه بودن دانشگاه بر فرهنگی عمومی در حالت استاندارد و معناداری گزارش شده است.

جدول شماره (۶): معرفی متغیرها

نقش	متغیر پنهان	علامت اختصاری	متغیر آشکار
	فن‌آوری‌های نوین (New Technologies)	NT	NT1 تا NT5
مستقل	چندزبانه بودن دانشگاه (Multilingual University)	MU	MU1 تا MU6
			جنسیت (Ge) (Gender)
			هویت (Id) (Identity)
			حقیقت (Tr) (Truth)
			سلسله مراتبی (Hi) (Hi)
وابسته	فرهنگ عمومی (Public Culture)	PC	(Hierarchical)
			تقوا (Pi) (Piety)
			امتیازات (Po) (Points)
			محیط زیست (En) (En)
			Environment



مدل (۱): مدل معادله ساختاری تأثیر فن آوره‌های نوین و چند زبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی (در حالت استاندارد)



مدل (۲): مدل معادله ساختاری تأثیر فن آوره‌های نوین و چند زبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی (در حالت معنی‌داری)

جدول شماره (۷): نتایج اجرای مدل ساختاری تأثیر فن آوره‌های نوین و چند زبانه بودن دانشگاه بر فرهنگ عمومی

ضریب تعیین R-Square	تأیید/رد	سطح معنی‌داری (P-value)	ضریب معنی‌داری (t-value)	ضریب استاندارد (β)	مقصد رابطه: متغیر نهفته وابسته (یا متغیر η)	مبدا رابطه: متغیرهای نهفته مستقل (یا متغیرهای ζ)	فرضیه
۰/۲۹	تأیید	۰/۰۰۱	۱۲/۲۱	۰/۵۲	فرهنگ عمومی	فن آوری‌های نوین	H1
۰/۲۹	تأیید	۰/۰۰۱	۱۲/۶۹	۰/۵۶	فرهنگ عمومی	چندزبانه بودن دانشگاه	H2

با توجه به نتایج جدول شماره (۷) همان‌طور که ملاحظه ضریب معناداری (نسبت بحرانی) برای هر دو فرضیه بیش‌تر از ۱/۹۶ شده است از این رو سطح معناداری هر دو فرضیه کم‌تر از ۰/۰۱ شده است لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که هر دو فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. به بیانی دیگر با افزایش استفاده از فن آوری‌های نوین (با ضریب بتا ۰/۵۲) و چندزبانه شدن دانشگاه (با ضریب بتا ۰/۵۶) فرهنگ عمومی تقویت می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأثیر هر دو متغیر «استفاده از فن آوری‌های نوین و چندزبانه شدن دانشگاه» بر فرهنگ عمومی از نوع افزایش‌دهنده می‌باشد و فقط تا حدودی شدت تأثیر دو متغیر بر فرهنگ عمومی متفاوت است به نحوی که شدت تأثیر چندزبانه شدن دانشگاه تا حدودی بیش‌تر از فن آوری‌های نوین می‌باشد و بر مبنای نتایج حاصل از ضریب تعیین (۲۹ درصد) می‌توان گفت بیش از یک‌چهارم از تغییرات فرهنگ عمومی متأثر از دو متغیر مذکور می‌باشد. نتایج حاصل از شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره (۸) آمده است که بر اساس آن، مقدار کای دو نسبی محاسبه شده ۱/۵۵ است. وجود کای دو نسبی کوچک‌تر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل است. هم‌چنین ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) می‌بایستی کم‌تر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۶۸ است. میزان مؤلفه‌های GFI و AGFI و NFI و CFI و IFI و RFI نیز باید بیش‌تر از ۰,۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۷ و ۰/۹۵ و ۰/۹۸ و ۰/۹۶ و ۰/۹۴ و ۰/۹۸ است. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار لیزرل می‌توان گفت که داده‌ها نسبتاً با مدل منطبق هستند و شاخص‌های ارائه شده، نشان‌دهنده این موضوع هستند که در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

جدول شماره (۸) : شاخص‌های برازش مدل

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	کای دو نسبی	$\chi^2/df$	۱/۵۵	<۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۷	>۰/۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۵	>۰/۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۸	>۰/۹۰	مطلوب
۵	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۶	>۰/۹۰	مطلوب
۶	شاخص برازش اضافی	IFI	۰/۹۴	>۰/۹۰	مطلوب
۷	شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۹۸	>۰/۹۰	مطلوب
۸	ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰/۰۶۸	<۰/۰۸	مطلوب

### بحث و نتیجه گیری

در میان حوزه‌های مختلف اجتماعی، این دانش است که به دلیل ماهیت غیرشخصی و جهانی خود بیش از هر حوزه دیگر، تحت تأثیر جهانی شدن قرار می‌گیرد. در طول تاریخ آموزش عالی با حاکم شدن روش‌های واحد علمی و ارتباط دانشمندان با هم، این حس کلیت و جهانی بودن نهاد آموزش عالی بیش‌تر تقویت شده است. علاوه بر این جابجایی نیروهای علمی در دانشگاه‌های مختلف نیز یکی از ضرورت‌های جهانی بودن دانش تلقی شده است. امروزه نیز با رواج فن آوری‌های نوین و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها، آموزش عالی بیش از پیش به سمت یکپارچگی پیش می‌رود. از طرف دیگر اگر آموزش عالی را بخشی از فرهنگ بدانیم از آن‌جا که تولید و توزیع دانش به عنوان رسالت اصلی مؤسسات آموزش عالی، یک فعالیت جهانی است لذا آموزش عالی می‌تواند بستر مناسبی برای جهانی شدن فرهنگ باشد. در همین رابطه، دانشگاه و جهانی شدن آن در زمینه‌های استفاده از فن آوری‌های نوین و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها نقشی اساسی در توسعه و اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی به فرهنگ عمومی برای رشد و توسعه فرهنگ علمی، حفظ، انتقال و بازاندیشی سنت‌ها و میراث فرهنگی گذشته و تجدید حیات جامعه ایفا می‌کند و بنیان‌های فرهنگی جامعه را استحکام می‌بخشد. بدین ترتیب، زمینه مناسب برای



پاسداری آگاهانه و منطقی از فرهنگ خودی و برخورد هوشیارانه و اندیشمندانه با فرهنگ بیگانه را فراهم آورد. بنابراین از طرفی با توجه به ماهیت جهانی بودن دانش و از طرف دیگر با عنایت با قابلیت کاربردی فن‌آوری‌های نوین در فعالیتهای مختلف آموزش عالی و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش عالی این ظرفیت را دارد که قبل از سایر بخش‌های اجتماعی به یک فعالیت جهانی تبدیل شود. طی دو دهه اخیر آموزش تحت فشار فزاینده برای پذیرش تغییرات سریع اجتماعی، فن‌آوری، اقتصادی و سیاسی بوده است که ناشی از تغییرات محیط داخلی و همچنین محیط خارجی فرصت‌ساز است. چنین به نظر می‌رسد که آموزش به طور عام و آموزش عالی به طور خاص به سرعت در حال تحول است. تقاضاهای نظام سرمایه داری جهانی، توانایی دانشگاه‌ها را برای انجام مأموریت‌ها و رسالت‌های فرهنگی خویش را کاهش داده است. محیط جهانی و رقابت‌آمیز امروزی چالش‌هایی را برای دانشگاه‌ها ایجاد کرده است که پاسخگویی به این چالش‌ها مستلزم تغییرات سازمانی و نوآوری در مدیریت دانشگاه‌هاست که لازمه آن باز بودن و پاسخ‌گو بودن دانشگاه‌ها نسبت به تقاضاهای محیط بیرونی است. مرزهای دانشگاه‌ها به روش‌های جدید برای ارائه خدمات و تولیدات به روی جهان بیرون باز شده است. در واقع جهانی شدن آموزش عالی نه تنها یک ضرورت بلکه پاسخی مبتنی بر آینده‌نگری است زیرا محیط محدود و ایزوله شده، دیگر نمی‌تواند به اهداف گسترده آموزش جامه عمل بپوشاند لذا در چنین فضایی استفاده از فن‌آوری‌ها و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها، بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. یافته‌های این تحقیق با دلالت بر تأثیر استفاده از فن‌آوری‌های بر فرهنگ عمومی، میرشمشیری (Niazazari et al., 2015) با یافته‌های نیازآذری و همکاران، چاووش باشی (Kazemzadeh & Kohi, 2010)، کاظم زاده و کوهی (Mirshamshiri, 2006)، افخمی و همکاران (Ebrahimian, 2013)، ابراهیمی (Chavoshbashi, 2012) هم‌خوانی دارد. (Al-Thawwad, 2008) و ال‌تواد (Schulte, 2004)، اسکالت (Al., 2013) شایان ذکر است جهانی شدن یکی از نیازهای نظام سرمایه داری برای توسعه خود است. در بخش آموزش عالی این حقیقت در پذیرش ارزش‌های فرهنگی شرکتی توسط دانشگاه‌ها قابل مشاهده است. جهانی شدن دانشگاه را به سمت بازار سوق داده است. اکنون دانشگاه‌ها با مرتبط شدن به صنعت و پاسخ‌گویی در برابر فشارهای دولت به تدریج در اقتصاد جهانی وارد می‌شوند. ورود

جهانی شدن به عرصه دانشگاه باعث هم‌سان شدن الگوهای ملی آموزش عالی می‌شود. بر اثر این پدیده، دانشگاه‌ها در معرض فشارهای ناشی از یکپارچه شدن فرهنگی قرار خواهند گرفت. از این روست که ملاحظه می‌کنیم یکی از دغدغه‌های نظام آموزشی استفاده از فن آوری‌ها و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها می‌باشد. با زوال نقش دولت به منزله تنها تأمین کننده دانشگاه‌ها، این نهاد مجبور می‌شود برای ادامه حیات خود در جهان بازار محور به دیگر منابع تأمین کننده مالی روی بیاورد. از این رو دانشگاه‌ها حرکتی را از وضعیت فعلی خود به منزله دستگاه ایدئولوژیک دولت و نگهبان میراث آن به سمت یک نظام بروکراتیک نسبتاً مستقل آغاز خواهند کرد. تحولاتی مثل استفاده از فن آوری‌ها و چندزبانه شدن دانشگاه‌ها، جابجایی فزاینده دانشجویان، بین‌المللی شدن برنامه‌های تحصیلی و سیاست‌های آموزشی و انجام همکاری‌های بین‌المللی در بخش تحقیقات، مصادیقی از جهانی شدن آموزش عالی هستند. این تحولات به حرکت دانش در جهتی اشاره دارند که به تشکیل آن چیزی منجر می‌شود که امانوئل کاستل از آن با عنوان جامعه شبکه‌ای یاد کرده است دهد. در پایان باید گفت با توجه به تأثیری که می‌تواند فرهنگ عمومی را تحت تأثیر قرار چندزبانه بودن دانشگاه‌ها بر فرهنگ عمومی دارد لذا انتظار می‌رود مسئولین دانشگاهی به مواردی مثل «برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی فوق برنامه به منظور تقویت دانش زبان انگلیسی، تأکید بیشتر بر شناخت و تقدیر افراد مؤثر علمی در حیطه بین‌الملل، تأکید بیشتر بر کسب مهارت زندگی با اقوام ملل دیگر، تأکید بیشتر بر شناخت چالش‌ها و نوآوری‌های علمی جهانی» توجه بیشتری داشته باشند. هم‌چنین به مسئولین پیشنهاد می‌گردد شرایط فرهنگی جامعه را به صورت منظم مورد مطالعه قرار دهند و آنرا رصد کنند زیرا در این صورت می‌توان به ایمن‌سازی جامعه و پرهیز از کنش انفعالی پرداخت تا از این طریق بتوانیم به برخورد کنش‌مند و خلاق در مواجهه با عناصر سیستم فرهنگی غرب دست یابیم.

## References:

- Afkhami Aqda, M., Kamali Zarch M., & Shokorawa, N. (2013). The effect of information and communication technology (ICT) on the education process from the perspective of Yazd University students. *Toloo Behdasht*, 11(1), 41-52. (in Persian).
- Al-Thawwad, R. M. (2008). Technology transfer and sustainability adapting factors: Culture, physical environment, and geographical location. *Proceedings of The 2008 IAJC-IJME International Conference*. Retrieved from <http://ijme.us/>
- Asgharzadeh, N & Khorasani, A (2016), The Impact of Using English as the Intermediate Language of Science Education on the Internationalization of Universities: A Comparative Study in Europe, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Volume 22, Number 3, pp. 111- 89. (in Persian)
- Asiei, M (2010). Technology, Culture and Civilization, *Journal of Cultural Research*, Volume 10, Number 8, pp. 61-94
- Chavosh Bashi, F. (2012). A model designed to assess the impact of ICT on the development. *Economic of Cultural Management in Iran Magazine*, Issue XI.
- Ebrahimian, S. H. (2013). Re-read the concept of cultural engineering and cultural pathology in the higher education system. *Soft Power Studies*, 2(5), 121-150. (in Persian)
- Esfahani, M. (2007). Cultural Management and Landscape for 20 Years, *Proceedings of the First Conference on Cultural Engineering*, Tehran, Supreme Council of Cultural Revolution, pp. 152-162. (in Persian)
- Fakuhi, N. (2011). The Perspective of Public Culture and Academic System in the World and in Iran, *Leaf of Culture*, 21, pp. 22-35
- Giddens, A. (2018). *Foundations of Sociology*, Tehran: Ney Publishing
- Jafarizadeh, M. (2006). The relationship between individual and social characteristics of high school students with the use of IT in their leisure Bam city. *Master Thesis*, Allameh Tabatabaei University. (in Persian)
- Kazemzadeh, M., Kohi, K. (2010). The Role of Mass Media in Cultural Development, Barriers and Solutions, *Journal of Communication Culture Studies*, 11 (12), 183-212. (in Persian)
- Latifi, M. & Abdolhoseinzadeh, M. (2016). A Systematic Pattern of Improving and Promoting Public Culture in the Country, *Social and Cultural Strategy Quarterly*, Volume 5, Number 20, pp. 54-23
- Latifi, M. and Zohourian, M. (2015). Developing a Model for Evaluating Public Culture Indicators in Universities, *Iranian Cultural Research Quarterly*, Volume 8, Number 1, pp. 47-70. (in Persian)

- Matthew, M., & Bill, G. (2003). Making sense of the relationship between information communication technologies and economic development. Retrieved from [http://dgss.wsu.edu/di/docs/Making Sense of the relationship between ICT and Eco nomic Development.pdf](http://dgss.wsu.edu/di/docs/Making_Sense_of_the_relationship_between_ICT_and_Eco_nomic_Development.pdf)
- Mirshamshiri, M. (2006). Impression and the effect of globalization on education and higher education systems. *Proceedings of the First National Conference on Globalization and Education*, School of Education and Psychology. Tehran University. (in Persian)
- Niazazari, K, Kazemian, M, Niazazari, M (2015). The Relationship between Information and Communication Technology and Cultural Engineering Components in Islamic Azad University, *Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*, Volume 5, Number 2, pp. 21-5. (in Persian)
- Schulte, J. (2004). Critical look at the phenomenon of globalization (Translated by Karbasian, M.) Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Sedgwick, E., & Sedgwick, P. (2002). *Cultural Theory: The Key Thinkers*. London and New York: Routledge.
- Teymori, S (2013). Assessing the Directors and Experts of the National Center for Globalization on Educational-Cultural Challenges in the Education of the Global Arena, *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, Volume 4, Number 11, pp. 164-135. (in Persian)